

بهوش باشیم! تهاجم امریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با تجاوز نظامی رژیم مزدور بعث عراق خاتمه نمی یابد

اسلامی ایران متصرفین و بر-
انتقارترین جنگ است که تاریخ
کین ایران بیاد دارد.
بخیزش عظیم خلق به ندای
رهبر آشتیابذیر انقلاب، امام
عظیمی، برای مقابله با دشمن
سایه، خونخوارگونوبدیش
پیروزی است. خلقی که حمایت
خود را درک کرده و از روی
بیه در صحنه A.

رویداد تاریخ ایران از آغاز تا
به امروز است و جمهوری اسلامی
ایران آن مولود فرخنده است که
پس از قربانیان و انتظار از بن
تاریخ ایران تولد یافته است، و
لذا جنگیدن برای دفاع از جمهوری
سینه خود را در برابر امریالیسم
آمریکا و عمال عراقی وی سپ
کرده اند، هر روز بیشتر به عظمت
کاری که انجام میدهند، بی-
برند، آنها میدانند که انقلاب
شکوهند ایران بسز زگرین

نبرد دلیرانه نیروهای مسلح
جمهوری اسلامی ایران علیه رژیم
مزدور بعثی تجاوزگر عراق، که
بمستور امریالیسم آمریکا کشور
از بند رسته ما را مورد تهاجم
و خشیانه قرار داده است، دزدین
و هوا و دریا ادامه دارد. پاسداران
قهرمان، سربازان و درجه داران
دلیر و افسران سپین پوست و
سپاه عظیمی از افراد خلقی که

نامه
مردم
از گان مرکزی حزب توده ایران
دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۶
چهارشنبه ۶ مهر ۱۳۵۹، بهار ۱۳۵۹

**راستی را چه جدائی است میان من و تو
اندر آن جا که خطر هاست به جان من و تو؟!***

و چون تورا جدی با «ج» دوست
و کوکل مولود در مشت
حسامه آفرینند. در آنلمات
و روزهای انتقارترین کسی از
دیگری نرسید: حسو کسام
بازمانی و شرب عقیدت
بیه در صحنه ۴

**فردا، ۱۰ مهر ماه مصادف است با
سی و نهمین سالگرد پر افتخار
حزب توده ایران!**

در رابطه با این سالگرد مهم مقاله ای تحت عنوان «یک
سال دیگر از زندگی پر تلاطم و پر نگرانی حزب ما، به قلم
رفیق نورالدین کیانوری، نگاشته شده است که فردا
در نامه مردم» انتشار خواهد یافت

جبهه مشترک آمریکا - مائوئیست هادر بلوچستان علیه انقلاب ایران شکل میگیرد

* همزمانی تشدید فعالیت مائوئیستها در
بلوچستان زیر شعار «سرنگونی رژیم پاتاریک
توتنه آمریکا و پاکستان در بلوچستان خیراز
گشایش جبهه تازه ای علیه انقلاب در این
استان می دهد.

* مائوئیستها در بلوچستان تبلیغی کنند: هرچه
می توانید کانونهای تازه درگیری بوجود بیاورید
و جبهه تیره در علیه رژیم مطلق و درجه ای
گسترش دهید.

مائوئیستها، همواره در عمل نشان داده اند که در
حساسترین شرایط یار و یاور امریالیسم خونخوار
جهایی به سرکردگی امریالیسم پانکی هستند.
تجربیات ۱۸ ماهه بعد از انقلاب ایران نیز برایش
تمام نشان داده است که انواع و اقسام مائوئیستها بدون
استثنا در همه توتنه ها علیه انقلاب ایران دستخاسته اند
و از همان روز که پرژوئیسکی و سولیوان سرنگونی
جمهوری اسلامی ایران را در دستور روز آمریکا قرار
داده اند، آنها نیز با همه توش و توان خود در این راستا
سرکت کرده اند.

در لحظه تاریخی و حساسی که ددان پسر میریم
امریالیسم آمریکا، از هرجا که توانست است، خاک
مبین ما را محاصره کرده است، نیروهای ایلیسی ضد
انقلاب از داخل و خارج مرحله تهاجمی جدیدی را علیه
انقلاب ایران آغاز کرده اند. نقشه روز آنها، جدا کردن
بخشهایی از خاک مبین ما زیر نام «ایران آزاد» است،
تا از آنجا برای شکست انقلاب سرپله ساخته شود.
جلادان شاه ملعون، از جمله اوبسی، سرپا این نقشه
را تایید کرده اند.

یکی از بخشهایی که به دلایل جغرافیایی، سیاسی و
استراتژیکی جدا کردن آن از ایران در دستور روز
قرار دارد، سیستان و بلوچستان است. اکنون قاش شده
است که این نقشه از آغاز تابستان طرح شده و هر
بیه در صحنه A

جنگ عادلانه

این همه جوان روتنه در بسیج
این دلاوران به پشته خلیج
این عقابها که در هوا سفر کنند
هنگامی که با سرود، از میان روستا گذر کنند.

تا که خاک ما عجین کند به خون
دشمن زبون میدمد به شعله های حرب
در جنوب و غرب.

جنگ عادلانه است
هم شدید و هم مدیله
این طرف وطن
آن طرف ستاده کارش پلید.

ما نه دشمن عرب، نه دشمن عراق
ما نه خصم نفت و متکر چراغ
ما کجا گرفته ایم
از سرای کسی برای ناکسان سراغ؟

ما که طعمه تجاوزیم
بسر دفع آن نه عاجزیم
پوست بر بدن زره بود
مشت ما تپی ولی گره بود.

بر فراز سنگ و سپاه
در شب سپاه
آسمان پر ستاره بیصداست
ای دلاوران
سپس وطن
حسامه شمسات.

احسان طبری
۸ سپر ۵۹

از افتادن در دام «خط برژینسکی» حذر کنید

**مردم مبارز تهران، ضیاء الحق را از نمایشگاه
بین المللی بیرون کردند!**
حاضرین در نمایشگاه با مشاهده ضیاء الحق فریاد زدند:
هرگ برژینسکی، هرگ بر آمریکا!



مردم خطاب به ضیاء الحق: هرگ بر آمریکا هرگ بر دیکتاتور

پیش از ظهر روز یکشنبه ۶
مهرماه ۵۹، مردمی که سرگرم
بازدید از نمایشگاه بین المللی
بزرگانی تهران بودند، با ورود
زرال آمریکایی پاکستان،
ضیاء الحق، یکبارچه او را حو
کردند و با شعارهای هرگ بر
دیکتاتور، هرگ بر آمریکا
و «الله اکبر» به استقبال نوکر
حلقه بگوش آمریکا رفتند.
ضیاء الحق مزدور، که با جلال
و جبروت فراوان به نمایشگاه

آمده بود با دیدن چنین نفرت
عظیمی از سوی مردم آگاه ایران
وحشرده شده و پس از چند
دقیقه که طرآن از غرغریا کسان
بازدید (!) کرده، نمایشگاه را ترک
کرد و پناه فرار گذاشت.

دیکتاتور پاکستان، که هنوز
در رویای استیصال های «با شکوه»
و آنچنانی عمال ساواک در دوران
رژیم شاه ملعون بوده با دیدن
این عکس العمل آگاهانه مردم
رفتند.

**جمهوری دمکراتیک خلق کره حمایت
خود را از ایران در برابر عراق اعلام کرد**

**حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در محابه
مطبوعاتی خود گفت:**
**این جنگ را در حقیقت
امریکا شروع کرده
و دامن می زند**
• یکی از ثمرات این جنگ
این بود که دوست و دشمنانمان
رایبتر بشناسیم

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی به بررسی مسأله «گروگانها و تعیین کمیسیون برای رسیدگی به این مسئله پرداخت. در این جلسه مجلس اعلام شد که مردم خواهان قطع رابطه با ایستاده ایستادگی آمریکا هستند و هیچگونه توافقی را با آمریکا نمی پذیرند. در این جلسه گفته شد: آنها که خواهان گرفتن قید از آمریکا هستند، ما ملت ایران را نمی شناسند.

در جلسه علنی، دیروز دکتر سامی، اولین نامتی پیش از دستور، سخنرانی، یا اشاره به چنگ ایران و عراق گفت:

«ایستادگی است که ما می چنگیم، یا این دست امر- یالیم است که از آستین عراق بیرون آمده است. اگر قبول کنیم که ۶۰ درصد انرژی جهان در این منطقه قرار داده بنابرین امریالیسم چنین منبع حیاتی را نمی خواهد از دست بدهد و هر حرکتی و انقلابی را که در جهت محدود کردن این منافع صورت گیرد، ذاتا مخالفت امر- یالیسم را برمی انگیزد»

نقطه اضافه کرد: «امریالیسم پیش از ۲۲ بهمن تصمیم گرفت به یک عقب نشینی تاکتیکی دست بزند، به امید آنکه انقلاب در دوران خود پیروز، اما ۲۲ بهمن باعث شد که امریالیسم از هر اقدامی علیه انقلاب پشیمان استفاده کند. اینجاست که مواضع اقتصادی حیاتی و سیاسی ما هدف قرار می گیرد»

در این شرایط مهمترین عامل برای ما انحصار دولتی و وحدت چشمه و منابع و قدرت تولید است. اینجاست که نباید به مسائل کوچک و موضعی پرداخت. ما در این موقع باید وحدت مان را منجمد کنیم و با تکیه بر آنه با امریالیسم مقابله کنیم»

دکتر سامی اضافه کرد: «امریالیسم از جمله مستقیم مهاجمان است. اما او در اینجا پشیمانی دوروست که با چنگ و دندان از انقلاب خود دفاع می کند و تا آخرین نفر نخواهد چنگید. فرق ما با عراق این است که اینجا ما برای چنگ دارطلب می شویم، ولی در آنجا مردم را به جبهه می برانند»

امامی کاشانی، سخنران دیگر پیش از دستور بود، او از جمله گفت:

«یکی از ویژگیهای سوسیالیست را قرآن کریم تعریف می داند. تعریفی که توفکر و مزبور آمریکا و اسرائیل صدام مزبور آغاز کرده است. رژیم ایران عراق تحریف را در سه بعد از روزهای اول تاکنون بیان کرده است. روزهای اول گفت، ما پاسخ دادیم به حمله ایران. حمله را آنها آغاز کردند. ولی دید این گرفت. برای اینکه ملت رزمند و مسلمان عراق می دانند، ملت شریف ایران است. بی تازیاری مسلمانان کشورهای اسلامی کم و بیش پاسخیده که پایگاه ضد انقلاب از روز اول پیروزی انقلاب، عراق بود. یا لژیون ها، اویسی ها، جانها، خانها، و پنهانها همه با عراق در تماس بودند. عراق از ضد انقلاب ایران حمایت کرد و در خود آنها مستقران کرده»

کلیه قراردادهای خارجی در مجلس بررسی میشود

آنکه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی اعلام کرد که، پس ارسال نامه به دولت، خواستار فرستادن کلیه قراردادهای ایران با دول خارجی به مجلس شده است. او سپس از نمایندگان خواست که خود را برای نظارت و تنظیم روابط خارجی آماده کنند. او گفت: مسئله دیگر این است که عده ای از نمایندگان

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

کوچکترین سازش با آمریکا، اصلت انقلاب ایران را از زمین میبرد

کلیه قراردادهای رژیم گذشته با کشورهای خارجی در مجلس مطرح میشود.

دکتر سامی: امریالیسم از جمله مستقیم هم ابا ندارد.

توکلی: آمریکا ذاتا با انقلاب ایران مخالف است، این ربطی به گروگانگیری ندارد. گروگانگیری معلول دشمنی آمریکا با ما بوده است

آنها که در قلبشان خللی است، میل به آمریکا دارند و ما را از محاصره می ترسانند.

هنجانی: آنچه در لایحه جاسوسی آمریکا نصب شده بود، شاید در پنتاگون هم نباشد.

هیچگونه بیعی از ابرقنوت آمریکا نداریم.

قرهباغی: ما مرد جنگیم، با آمریکا می جنگیم.

دکتر یدالله سعایی: ما هنوز خود را با آمریکا در چنگ عملی نمی بینیم. ما باید یا آمریکا وارد مذاکره شویم و مسائلمان را حل کنیم. ما مستزوی شده ایم، بگذارید مذاکره کنیم!

مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی دیروز، در مورد قراردادها و مسائل خارجی بحث کرد.

طی نامه ای خواستار رفتن نمایندگان به مناطق چنگ شده اند. این نمایندگان رفه اند و بزودی گزارش آنها به مجلس ارائه خواهد شد. همچنین عده ای از نمایندگان پیشنهاد کرده اند که یک الی دو نماینده در ستاد مشترک باشند تا دقیقاً در جریان چنگ قرار گیرند.

رئیس مجلس سپس از کمیسیون دفاع خواست که دولت را معرفی کنند تا در صورت تصویب مجلس، به ستاد مشترک فرستاده شوند.

پس از سخنان حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، مجلس وارد دستور شد و به بحث در مورد قطع کلیات و قطع «گروگانهای جاسوس پرداخت. در این مورد آقای توکلی، با اشاره به موضع گیریهای امام خمینی در این باب، گفت:

«موضع انقلاب اسلامی ایران در برابر آمریکا چگونه است؟ با استناد به آیه های قرآن به این نتیجه می رسیم که مسئولیت يك مسلمان، كه محدود به سرزمین و جغرافیای نیست، مبارزه در راه حق و علیه باطل است. سحنه مبارزه حق و باطل همه زمانها و در همه دنیا است. در اینجا باید به سراغ دولت اصلی رفت»

آمریکا ذاتا با انقلاب ایران مخالف است

نامتق سپس با اشاره به یکی از پیام های امام خمینی که گفته اند: «چون به کشورهای تصحیح مختار می کنیم که متحد شویم و دست آمریکای تهاجمکار را از سر- زمینهای خود کوتاه کنیم...» و یا «ما آمریکا را به جایی نتشامیم و به همه مبارزان راه آزادی کمک کنیم که دست آمریکا را کوتاه کنند از ای زمینش» گفت:

«مسلکین علیه نظام شومناک، دست آورده اند، مانده مانده نماند. مسکینی بیرونی است که در دفاع از جمهوری اسلامی ایران و تمام و تصحیح انقلاب بزرگ ما با دشمنان و متفقین هستند، درین حال، هم تیغه و نمره، ورزش پیشی های آمریکایی است و همه املی است قطع در سرکوب این ورزش، آمریکایی جانشینان، یا راهشانی مشاورانی که در کتب پروتستی ورزش یافته اند، یا کمک تصمیم داریان ستاس» خود و ضد انقلابیون. ایرانی های خود و باطل فراریان طاقوت خود و با کامپیوترهایی که سالیات ایمنه کور می خوانند (ولی همچنان مطمئن ترین اندرز- دهان کذب سفیدان بنام می رود) این تیغه رسیده وارد می شوند. حمله سازمان یافته شامل منطقه ای، صدام پشی، موجب خواهد شد که در نیروهای سیاسی ایران، قوه گرین از امریالیسم بوجود آید و آن اتصاداتی بیسواسی که سال ۵۷ شاهد برجسته ترین مظهر آن است، بقدر بکل از هم بیاند و راه انبوه جدید مسئله آمریکا و نظام طاقوتی صوار شود.

توده های مردم ایران، در تمام

طیف وسیع عقاید گوناگون خود، پاسخی دندان شکن باین بیفت- بینی و «تیغه گیری شیطانسی دادند. این زین رهبری امام خمینی، رهبر مدبر و قاطع انقلاب ما و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، نتگانتک صفوف خود را قدرتش ساختند. در ستگر، د پارسیبانه، در صف پیروان به سینه، در کارخانه و مزرعه، در زندگی روزمره خود، این ورزش بدوش هم ایستادند. در برابر خطر که دشمن عده ما متوجه دانستند، آزادی، جمهوری اسلامی» کرده بود، آنها پارچه گریسی از جهت تنظیم دشمن شکنی که میوه شیرینش را چشیده بودند، رفتند. و همین رحمت و بهم - فتورگی کارساز اتحاد و تقه های جهاننوار آمریکایی، آلتشمت پشتمی آن و دشمنان را بر ایران، تا بار یکی نقش بر آب کرد. درسی که مردم جنوب و غرب کشور ما، پاسداران فرمان و انقلاب و همچنین واحدهای رزمنده ارتشی به دشمن دادند، سراسر سباهی ملی و دستیاران و نوکرانی هستند. در ره رویت، آنها روی تفرقه حساب می کردند، با دست و پا می زدند. آنها به دست و پا می زدند، دستک امید بسته بودند، بلکه

راستی را چه...

بقیه از صله ۱

چینست که همه انقلابیون اسیر، همه مبین دوستان سابق، توفکر بزرگ، دروازی با مردم - دروازی خود، علم غریب می گوید اخلاقی خود، در یک سنگ واحد، چینه است و رهبر خود، امام خمینی ایستادند و از یک امر واحد، انقلاب دوران ساز خود، دفاع کردند. آنها در کنار هم پای نشاندند، همراه هم چون ریختند، تا دشمن تهاجمگر را سرکوب کنند، یورشهای آنها مقب رانند و شمری را که ردیوری بغداد، خرابی انتقال آرزاده بود، از چنگال عمل امریالیسم آمریکا و جریان سیاست ضد انقلابی شیطان بزرگ صوبان دارند.

در شب دلاوریان و بیگانه می که در معرض شدیدترین حالات فراز داشت، کسی از دیگری نمی بود، چه جدایی میان من و توسته، بلکه همه با هم از انقلاب، از جمهوری اسلامی ایران دفاع کردند و دوش بدوش هم در راه ایستادند و می ایستادند، آنها طاری انقلاب را که توجیه آنها، پیشی آنها بود، با استقلال و آزادی آنها بود، با تمام وجود خود می کردند و دست در دست هم نشاندند.

آمریکا دارند و ما را از محاصره می رسانند. اگر ما تابع بیرونی از امام را داریم باید سخنهای را هم تحمل کنیم»

نامتی در پایان پیشنهاد کرد که: «دکسیونی که قرار است تشکیل شود باید کلیه قراردادهای ایران و آمریکا را بعد از سال ۵۷ تعلیل کند. قطع رابطه اقتصادی، که ریشه اشترار مسئله سیاسی است، را مردم می پذیرند که قطع شود و محاصره اقتصادی ادامه یابد. مجلس باید آمریکا را محاکمه سیاسی کند و بعد آن گروگانها را که از آنها مرگ هست، به عنوان شاهد مثال عرضه کند و بقیه گروگانها را که مدتی از آنها در دست نیست، آزاد کند»

در این موقع عده ای از نمایندگان خواستار کلیات مذاکرات شدند. در این مورد چند مخالف و موافق سخن گفتند. آنکه رای گیری به محل آمد و در نتیجه کلیات مذاکرات با اکثریت آراء تصویب شد.

سپس موضوع تعداد اعضاء کمیسیون ویزه رسیدگی به وضع «گروگانها» مطرح شد و براساس رای مجلس: تعداد اعضاء کمیسیون ۷ نفر مین شد.

«کلیات انتخاب اعضاء کمیسیون» و وظایف آن از جمله موضوعات دیگری بود که در جلسه دیروز مجلس مطرح شد. رئیس مجلس در این مورد گفت:

«تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت: «تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت: «تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت:

«تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت: «تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت: «تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت:

«تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت: «تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت: «تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت:

«تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت: «تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت: «تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت:

«تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت: «تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت: «تعداد اعضای کمیسیون در این مورد گفت:

اجتماع کارگران کوره پز ملایر

چندی پیش در پی دستور فرمانداری ملایر، پلیس ترسوختن نفت سیاه کوره های آجر پزی کوچک که آجر سفید تولید می کنند، حدود ۲ هزار کارگر - کوره پز به اتفاق صاحبان کوره ها از کار دست کشیدند و پس از یک راهپیمایی در فرمانداری اجتماع کردند. پس از انقلاب، عده ای بدون جواز و پروانه در زمین های اطراف شهر ملایر اقدام به احداث کوره های آجر پزی کردند و به دنبال آن عده ای نیز در روستاها دست به چنین کاری زدند. فرماندار نیز به دلیل اینکه این زمین ها کشاورزی هستند و به علت داشتن آب قابل کشتند، ابتدا به این افراد اخطار کردند که کوره های خود را خراب کنند، و چون موفق نشد

دستور قطع فروش نفت مصرفی آنها را داد. البته این دستور شامل حال تمام کوره های آجر پزی گردید و باعث اعتراض کارگران صاحبان کوره های نفتی شد. پس از اجتماع کارگران فرمانداری، در گفتگویی که نماینده کارگران با فرماندار داشت، قرار بر این شد که فعلا در سال جاری نفت به تمام کوره ها داده شود و از سال آینده فقط کوره های که پروانه دارند و یا سابقه کار آنها بیش از ۵ سال است، می تواند شروع به کار کنند. این اجتماع با آرامی و با شعار های در تأیید انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پایان یافت و کارگران به سر کار خود بازگشتند.

مشکلات کارگران معدن ذغال سنگ «ملک زاده» در کرسنگ آمل

به کارگران این معدن، برای افراد متاهل با فرزند دهه هجدهم تا بیست و یکم، ۳۰۰ تومان و افراد مجرد ۲۰۰ تومان حق مسکن پرداخت می شود. برای هر فرد یک تا یک و نیم تن دیگر نیز به علت داشتن دم (بخار و گاز) قابل بهره برداری نیست. معدن از سیستم های مختلفی چون استخراج و واکنش گش و خاک کش و غیره تشکیل شده است.

معدن ذغال سنگ ذابیح الله ملک زاده واقع در «کرسنگ» آمل است و تعداد ۱۱۵ کارگر در آن کار می کنند. این معدن ۳۰ تن تولید دارد، که یک تن آن در ریزش کرده است و یک تن دیگر نیز به علت داشتن دم (بخار و گاز) قابل بهره برداری نیست. معدن از سیستم های مختلفی چون استخراج و واکنش گش و خاک کش و غیره تشکیل شده است.

حقوق کارگران این معدن ۷۷ صبح تا بعد از ظهر (سری اول) و از اتمام بعد از ظهر (سری دوم) بطول می نهد. ماهیانه مزد روزانه کارگران بین ۶۸ تا ۱۵۰ تومان است. در ضمن کارکنان رکنی است و کارگران در ازای یک مقدار کار بیشتر، مزد می گیرند. در این معدن سوراخی به ۵ نخایند وجود دارد. یکی از نمایندگان شورا کمبود های معدن را چنین بیان می کند:

چندی پیش در این معدن به علت کمبود وسایل ایمنی و لوازم جهت کار در معدن، یک کارگر ۱۷ ساله بنام عباس غضنفرپور، بر اثر ریزش معدن دچار زخمی شد و جان خود را از دست داد. یکی از تونل های معدن به علت داشتن دم (گاز و بخار) مورد استفاده قرار نمی گیرد. (البته برای استفاده از چنین تونل هایی به وسیله هواکش دم تولید با اراج می کنند و مورد استفاده قرار می دهند. اما در این معدن، پس از نفوذ دم به داخل تونل، آنرا تعطیل کرده اند، تا در زمستان توسط سرمای هوای دم از زمین سرد شود، روزها در ده بدنبال ریزش تونل ها، عباس غضنفرپور در داخل تونل زندانی شد.

کمیونسویق منطقه ای برای بیرون کشیدن آب و هوا کش، تا دینا میت برای انفجار (البته دریا نفت دینا میت از روستا نداری تنگ ایسفا شده بود، که جواب داده بودند، به علت پروانه دینا میت به نام مالک املیسی، «ملک زاده» ما مرده است و وی نیز مبلغ ۶۸۷/۲۰۰ تومان بدهی دارد، لذا دینا میت به این معدن فروخته نشود.)

پس از قریب یک ساعت راه تونل بازمی شود، ولی به علت ادامه ریزش تونل، عباس غضنفرپور داخل قسمتی که داده ای دم بود،

به این معدن فروخته نشود.)

شده و دچار زخمی می شود. هنگام عسکران کارگران متوجه غیبت وی می شوند و برای یافتن وی تلاش می کنند، اما به علت نبودن کمیونسویق، تا آمدن کمیونسویق از بیابان منتظر می شوند. پس از ساعتی تلاش، جسد غضنفرپور را از داخل تونل خارج می کنند.

۱- دستگاه اکسیژن کارگران را شامل مشکلات دیگری نیز دارد و دستگاه عیار رست از: (حق سختی کار به کارگران پرداخت نمی شود.)

بدنبال این حادثه به مدت سه روز کار در معدن تعطیل می شود و کارفرما اعلام می کند که حقوق این دوره به کارگران پرداخت نخواهد شد.

شوراهای اسلامی کارخانجات مازندران در مورد سوده یزبه پیشنهاد میدهند:

- که منابع کارگران تامین شود.
- در سوده یزبه به طور سوده در دفتر و به هر صنف کارگری در سطح ملک، سوده پرداخت شود.
- ماده ۳۳ قانون کار و امور اجتماعی کفالتی استماری است، لغو گردد و طبق صواب اسلامی رفتار شود.
- در شوراهای که در وزارت کار جهت حل مسائل حقوقی کارگران تشکیل می گردد از ارکانی انقلابی و اسلامی کارگران دعوت بعمل آید.
- از کل درآمد کارگری جهت ترمیم حقوق بازنشستگی، حق سه سرگرد.

- جلسه ای با حضور شوراهای اسلامی کارخانجات و شرکتهای مازندران در مورد سوده یزبه در دفتر شورای اسلامی شرکت نساجی «جوما» تشکیل شد. برخی از پیشنهاد های آنان شرح زیر است:
- قانون سوده یزبه لغو و به جای آن کارگران در سوده کل، درصد قابل توجهی سهم گیرد.
- در تمام ارگانهای انقلابی اسلامی کارگران، ابتکار عمل در دست آنان باشد.
- نهایت کوشش شود تا هرگز کارگر به هیچ وجه استعفا نشود.
- در مورد حاکمیتی سوده یزبه، مشاوره ای به صورت عمومی در سطح مملکت به عمل آید.
- در کل قانون کار تمدن نظر شود، شخصی

کارگران کوره پز خانه های نیشابور - انسانهای دردورنج



محمد: اگر یک آجر از پلاستیک یا کوره درش کند، معلوم نیست وضعیت ما چه شود

در ۵ کیلومتری غرب نیشابور، در اطراف جاده نیشابور - سبزوار، همواره دودی غلیظ از کوره های آجر پزی به هوا بلند است. در این منطقه، وسیع حدود ۱۵ کوره زرمینی و انواع دیگر کوره ها وجود دارد. بزرگترین کوره ها در مالکیت «حسین رضوانی» و «فرمان زاده» است. ظرفیت آنها حدود پانصاف هزار عدد در هر نوبت است. تولید کوره ها، آجر پخته معمولی و سوخت کوره ها مخلوطی از روغن سیاه و پنبه است. آب لازم برای ساختن گل از جاهای آب تا من می شود. کوره پزخانه «حسین رضوانی» که بزرگترین کوره منطقه است، دارای دو استخر با یکجاها است. این کوره اول سال، که صرف آجر پز پاد است، تا ۵۰۰ کارگر را در خود جای می دهد و اواخر سال تعداد کارگرهای آن به ۷۰۰ نفر تغلیب می یابد. بیشتر کارگران کوره پزخانه ها دهقانانی هستند از شهرها و روستاهای دیگر خراسان، به خصوص «تایباد» و روستاهای مازندران و افغانستان و از سیستان و بلوچستان، صاحبان کوره پزخانه ها، خاندهای محقری - که در حقیقت فقط یک سرپناه در برابر آفتاب هستند - کنار جاده برای کارگران ساخته اند که زندگی کردن در آنها رقت بار است. برای آگاهی از کار زندگی کارگران با آنها به گفتگو می نشینیم:

محمد دارای یک خانواده ۴ نفری است و خودی است و آور خانه است. کمی آن طرف تر از محمد، کارگر دیگری با یک ماشین آجر پز کوچک مشغول عمل آجر های خام به داخل کوره بود. در داخل کوره ۹ کارگر مشغول کار بودند. ۴ نفر در حال چیدن آجرها روی ماشین و تخلیه آنها بودند و همچنین ۴ نفر آجرها را در کوره می چیدند و یک نفر نیز راننده ماشین بود. حداکثر مزد آنها ۲ تومان است.

از بیمه و سایر امکانات رفاهی و مزایای کارگری خبری نیست. چون بیکاری رایج است، مجبورم در اینجا کار کنم. محمد در این خانواده ۴ نفری است و خودی است و آور خانه است. کمی آن طرف تر از محمد، کارگر دیگری با یک ماشین آجر پز کوچک مشغول عمل آجر های خام به داخل کوره بود. در داخل کوره ۹ کارگر مشغول کار بودند. ۴ نفر در حال چیدن آجرها روی ماشین و تخلیه آنها بودند و همچنین ۴ نفر آجرها را در کوره می چیدند و یک نفر نیز راننده ماشین بود. حداکثر مزد آنها ۲ تومان است.

از بیمه و سایر امکانات رفاهی و مزایای کارگری خبری نیست. چون بیکاری رایج است، مجبورم در اینجا کار کنم. محمد در این خانواده ۴ نفری است و خودی است و آور خانه است. کمی آن طرف تر از محمد، کارگر دیگری با یک ماشین آجر پز کوچک مشغول عمل آجر های خام به داخل کوره بود. در داخل کوره ۹ کارگر مشغول کار بودند. ۴ نفر در حال چیدن آجرها روی ماشین و تخلیه آنها بودند و همچنین ۴ نفر آجرها را در کوره می چیدند و یک نفر نیز راننده ماشین بود. حداکثر مزد آنها ۲ تومان است.

محمد در این خانواده ۴ نفری است و خودی است و آور خانه است. کمی آن طرف تر از محمد، کارگر دیگری با یک ماشین آجر پز کوچک مشغول عمل آجر های خام به داخل کوره بود. در داخل کوره ۹ کارگر مشغول کار بودند. ۴ نفر در حال چیدن آجرها روی ماشین و تخلیه آنها بودند و همچنین ۴ نفر آجرها را در کوره می چیدند و یک نفر نیز راننده ماشین بود. حداکثر مزد آنها ۲ تومان است.

تأمین کار برای کارگران نیکابیک

از نخستین وظایف دولت انقلاب است



ما کارگران نفتیم آمریکا بداند مبارز سر مستقیم آمریکا بداند

گرانی روز افزون هزینه زندگی بردوش زحمتکشان سنگینی میکند

زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقایع انقلابی آزرین بار نجات داد

جمهوری دمکراتیک خلق کوه حمایت خود را از ایران در دربر ابر عراق اعلام کرد.

سفیر جمهوری دمکراتیک خلق کوه در ایران بعد از ظهر یکشنبه ۶ مهر ماه با محبت اسلامی و رفاقتی رئیس مجلس سوسیالیستی شورای اسلامی در محل مجلس دیدار و گفتگو کرد.

در این دیدار سفیر جمهوری دمکراتیک خلق کوه ضمن اعلام پشتیبانی کشتی و تنوع جویی از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت:

مردم جمهوری دمکراتیک خلق کوه

علل مهاجرت روستایی از ده ریگی - نیشابور



روستاییان میاور برای آفتابشینی‌های ده (خوش‌نشین) خانه میسازند.

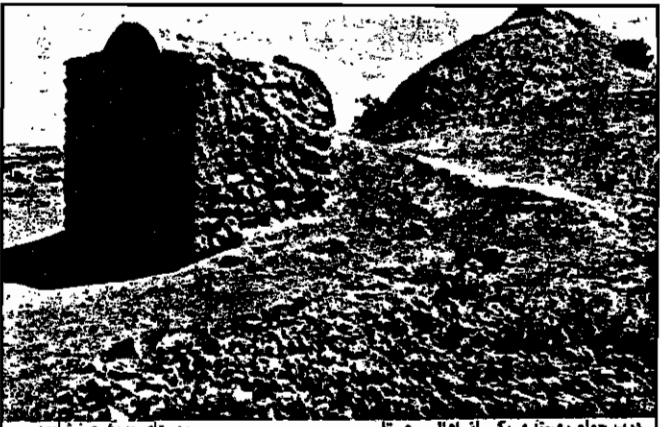
ولی چون وام ناپدید دولت، کفاف پرداخت پول بیمانکناری نمی‌کند، عوامل پیمانکاران پستی‌های زمین خونخوار پهلوی، موتور چاه عمیق درحال بهره‌برداری را بخاطر عدم پرداخت هفت هزار تومان بدهی کشاورزان متصرف می‌فروشند و آن را به فروش می‌رسانند. این عمل باعث از بین رفتن کشاورزی و خرید شدن دهقانان ریگی می‌گردد. شرکای چاه عمیق، که ۱۳۵ نفر از روستاییان، یعنی تقریباً تمام اهالی ده را تشکیل می‌دادند، اغلب مجبور به مهاجرت به شهرهای اطراف و تهران برای کارگری می‌شوند. هنوز این چاه به راه نیفتاده است و تلاش‌های اهالی ده و به خصوص ۴ نفر از نمایندگان اهالی روستا به جایی نرسیده است.

روستای ریگی در ۵۰ کیلومتری جنوب نیشابور در جلگه‌ای پهنابور و خشک به نام "رخ" واقع شده است. روستای نیشابور - کاشمر ۱۵ کیلومتر فاصله دارد. اهالی ده به نیشابور رفت آمد می‌کنند. این روستا ۱۶۰ خانوار جمعیت دارد. ده دارای آب و هوای گرمی است و با دماهای دماهی در اینجا می‌وزد. به علت کمبود آب، بیشتر محصولات به طور نیم حاصل می‌شود. زندگی روستاییان با توجه به درآمد کم، سخت و طاقت فرسات.

به علت وضع بد کشاورزی در این روستا و همچنین کار طاقت فرسای آالی پهلوی در امان روستاییان به شهر مهاجرت می‌کنند. یکی از روستاییان با ناراحتی می‌گفت: اگر دولت به من ۳۰ هزار تومان وام بدهد نه تنها مهاجرت نمی‌کنم، بلکه فرزندم هم از شهر به ده برمی‌گردد و به کشاورزی مشغول می‌شوند. وقتی ما پول نداریم و به ما وام نمی‌دهند، مجبوریم ۵۰۰ کیلومتر برویم، از اینجا دور شویم و در تهران روی کوه‌پزخانه‌های آنجا مشغول شویم.

این روستا دارای یک مدرسه ابتدایی ناموسلم است، که وضع داخلی مدرسه بسیار خراب و شورهای رطوبت زمستانی آن بسیار آزاردهنده و آلوده است. بسوازی نیز چون دیگر روستاهای ایران در اینجا بیداد می‌کند. آب آشامیدنی ده از دو فونت که آب تهیه می‌شود. در اسبانه دره‌ها و کوه‌ها و نه دارو وجود دارد. برای رفتن خرمی‌زنگ، روستاییان پس از بیپوش فرسنگی راه، به مرکز بخش می‌روند که تازه آنجا هم دارویی نیست، و آنوقت لاجابری به نیشابور، روستاییان به علت نداشتن وسایل و امکانات کشاورزی نیز در می‌مانند. کمبود کود، بخر و تراکتور و ... برای آنها ناراحت کننده است. در شرکت تعاونی وجود ندارد. از شورای ده نیز خبری نیست. اینهاست، علل مهاجرت روستایی از ریگی.

جلگه رخ، جلگه‌ای پهنابور و دارای زمین‌های بسیار است. ولی به‌همین نسبت آب هم کم است. طبق گفته روستاییان، سهندسان و کارخانه‌هایی که در این محل چاه عمیق زده‌اند، اظهار نظر کرده‌اند که از لحاظ آبهای زیرزمینی، روستای ریگی از نظر آب در زمان طاقت، سال ۴۱، روستاییان نتوانی به وام برای خنجر چاه عمیق می‌کنند. بلاخره پس از تلاش‌های زیاد، دو سال بعد، یعنی سال ۴۳، وام پرداخت می‌گردد. روستاییان پس از خنجر چاه، از سال ۴۴ تا سال ۴۶، از این چاه استفاده می‌کنند.



درپ حمام روستا و یکی از اهالی روستا

دهقانان کم زمین و بی زمین!

با تشکیل کمیته خود و اینکه به پاسداری از منافع و اراد و نوسازان روستا، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرعاً و سوسود شما اجرا شود.

چرا اوچگونه اتحادیه دهقانان را باید تشکیل داد

دهقانان عزیز! - انقلاب پرشکوه ما به رهبری امام خمینی، علیه شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار و شیطان‌های کوچک و موامل ضد انقلاب داخلی هر روز گسترش بیشتری می‌یابد. این نوکران و شیطانک‌ها در روستاها، آریابان و مالکان بزرگ هستند، که با انقلاب مستعلمان متالیفند. آمریکا توسط آنها نفع‌های شیطانی خود را انجام می‌دهد. مالکان بزرگ هر روز بر ضد انقلاب ایران و علیه ما دهقانان دست به توطئه‌های جدید می‌زنند و کار شکنی می‌کنند. این غارتگران ناهمسین چند روز پیش نسی گذاشتند و حالا هم نسی خواهند گذاشتند که بر نافع‌های اصلاحات ارضی واقعی، که دست‌یافت آماده است، اجرا شود. آنها که می‌بینند ما دهقانان را نمی‌توانند فریب دهند و می‌بینند، هر طور شده بلاخره کلیه اراضی بزرگی که آنها غصب کرده‌اند، باید ما را بگذارند و دست به عرفه‌افکنی و شایعه پراکنی زده‌اند، دست به نابودی موتورهای چاه‌ها، تراکتورها و حتی سوزاندن خرمن‌ها زده‌اند. دست به آدم کشی و تعزیر خانه و با آواره کردن مازده‌اند. خلاصه آنها با انقلاب عدت دارند و با ما دهقانان، که حق انسانی خود را می‌خواهیم، عدت دارند. آنها نمی‌خواهند که زندگی ما بهتر شود، دما آباد و به‌همی ما را سود و خانوادگی ما سالم باشند. آنها با هر ضربه‌ی بنام ما دهقانان به عدت می‌افکنند و ما وظیفه داریم از هر راهی که می‌توانیم، به تنه توطئه‌های ناهنجاری سازمان، بلکه ضربات بیشتری به این جرم‌های ناسد وارد آوریم. به گفته امام خمینی: "ملک دارا و خان‌ها، که هر چه بود مال آنها بود، دیگر نباید حکومت کنند. به گفته امام خمینی، ما پاره‌ها و هیچ نذارا، حالا باید به حق خود برسیم. ما در این کار، جز با اتحاد و اتفاق، موفق نخواهیم شد.

دهقانان عزیز! - اتحادیه دهقانی مبارک است از یک سازمان - صنفی سیاسی، که دهقانان زحمتکش را ولایت هر روستا را متحد و یکپارچه می‌کند. تمام سخن‌گوشتن اتحادیه برای آن است که زندگی دهقانان، به ویژه دهقانان کم زمین و بی زمین و زحمتکش روستایی بهتر شود. تولید رونق پیدا کند و ده آباد شود. اتحادیه‌های تمام دهقانان تمام متحد می‌کنند. تا آنها بتوانند با کمک یکدیگر و به خاطر بدست آوردن حقوق قانونی و غیره خود، مبارزه کند و سازمان‌های خود نتیجه بگیرند. زندگی نیک که اتحادیه دهقانی بدون کمک و پشتیبانی فعال و مبارزه اتحادیه خود قادر به انجام هیچ کاری نتواند انجام دهد. در اتحادیه دهقانان، تمام اعضا می‌توانند فعالیت کنند و باید که صالحیت کند. با کار ما از پیش برود و حرف ما دهقانان زورده‌ها باشد. برای تشکیل اتحادیه، هر کدام از ما باید با اعضای خانواده و آشنایان و دوستان، در خانه و مسجد و میوه‌خانه و سر زمین محبت کنیم و نظارت بر تشکیل اتحادیه برای آنجا تلاش روشن کنیم. هنگامی که تعداد اعضای کمیته کافی رسید، ما مسئولان تمام ملامت‌ها را در شرکت در اتحادیه دهقانان در دست گرفتار. تا در مسجد یا میوه‌خانه یا خانه ای جمع کنیم و انتخابات را برای انتخاب یک هیئت مدیره انجام دهیم و اساسنامه را به صورت صحن عمومی بزرگسازیم و برای کار خود را ترتیب دهیم. دهقانان عزیز!

ما تنها با مشکل در اتحادیه‌های دهقانی و از طریق آن با شرکت در فعالیت‌های میوه‌خانه‌ای می‌توانیم از صنایع مشروع خود دفاع کنیم و با جلب همکاری همه عناصر و شیوه‌ها و افراد انقلابی کمک، حقوق خود را بدست آوریم و حفظ کنیم.

عشایر و قبایل ایران بیاخیزید!

ایلات فارس، عشایر خوزستان، طوایف بلوچستان، لرها و کردهای ایران! - خطری بزرگ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند. آمریکا از جها خنجر و با محاربه اقتصاد کشور ما و تحمیل جنگ فرسایشی به جمهوری اسلامی ایران، قصد دارد به انقلاب شکوهمند ما ضربه بزند. با انقلاب بزرگ و مردمی ایران، که زمینه‌ساز عدل و برابری برای عمران روستا و روستاییه و رفاه جامعه‌های بزرگ است، آمریکا از جها خنجر و با محاربه اقتصاد کشور ما و تحمیل جنگ فرسایشی به ایران، قصد دارد به انقلاب شکوهمند ما ضربه بزند. با انقلاب بزرگ و مردمی ایران، که زمینه‌ساز عدل و برابری برای عمران روستا و روستاییه و رفاه جامعه‌های بزرگ است، آمریکا از جها خنجر و با محاربه اقتصاد کشور ما و تحمیل جنگ فرسایشی به ایران، قصد دارد به انقلاب شکوهمند ما ضربه بزند.

- طلب ایران!
- بسیار و با دما، زره، خدا صبر با ایست!
- عشایر و ایلات ایران!
- تا بیود با دما، حسین و عساکر!
- امیران ایست آمریکا!

دهقانان روستای خائلق خواهان تقسیم زمینهای بزرگ مالکان ده

در حاد روستای خائلق، که دهی است در ۴ کیلومتری شهرساز شیزون، ناحصیتی حدود ۵۰۰ خانوار، عمدتاً کارگزاری و جیره‌بندی، نامشان قربان و بیوات واحد است. در کنگر گویان آنها، ما رفتیم سرملک‌های مالکان بزرگ، ولی به ما کار دادند و حالا بکار ما دیدم و بعد می‌گردیم. یکی از این سده‌ها می‌گوید: این روستا ۵۰۰ خانوار جمعیت دارد. حدود ۱۰۰ مالکان بزرگ اینجا دارای باغهای کوچکی هستند که روی آن کار می‌کنند و ۳۰۰ نفر دیگر کارگر روزمزد هستند. یکی از مالکان بزرگ اینجا ۵۰۰ هکتار زمین دایر در این ده دارد، که هر ساله ده‌ها کارگر چندرگشت می‌کند. و ده هکتار زمین باغ و سرسب و گلانی و غیره دارد. البته مالکان دیگر هم دارای زمینها و باغات زیاد هستند. ولی ما بی زمین‌ها اغلب اوقات سال بکاریم، هرگاه مالکین ما کار دادند، ما بکاریم و اگر نه، ما بی زمینیم.

در جهان سرمایه داری

افزایش درآمد در مجارستان

چنانکه درآمد ملی مجارستان را در سال ۱۳۲۹ یک نفری کتب ۲۰۰۰۰۰ دلار و در سال ۱۳۶۹ در سال ۲۰۰۰۰۰۰ دلار ۲۰۰۰۰۰۰ دلار بوده است.

در حدود نیمی از مردم مجارستان ، ازنال- ۱۳۳۹ تاکنون ، صاحب خانه نواز شده اند . تنها در میان دوران برنامه پنج ساله جاری (۵۹- ۱۳۵۵) ۲۵- هزار آپارتمان جدید احداث خواهند گشت . اینک در چنگل مجارستان در هفته ۴۳ ساعت کاری کنند . در پنج ساله آینده روزهای کارگران و کارمندان به پنج روز تقلیل خواهد یافت .

صندوق مصرف اجتماعی مجارستان ، چنانکه جدول زیر نشان می دهد ، در سالهای پیش بس - افزایش پیدا کرده است :

۱۳۳۹	۲۲۱
۱۳۴۲	۲۲۳
۱۳۵۶	۵۸۸

تنها در سال ۱۳۵۶ ، پرداخت های صندوق مصرف اجتماعی به نسبت سال پیشین ۱۵ درصد بالاتر . در این سال کتب هزینه کارگران و حقوق بازنشکنی هر یک ۱۲ درصد افزایش یافته است .

در جهان سرمایه داری

کاهش مازاد بازرگانی خارجی جمهوری فدرال آلمان

جدول زیر مازاد بازرگانی خارجی جمهوری فدرال آلمان را نشان میدهد ، که در دو سال گذشته روبه کاهش بوده است :

۱۹۷۸	۲۱/۲
۱۹۷۹	۲۲/۲
چهارم - نخست	۷/۸
چهارم - دوم	۷/۵
چهارم - سوم	۲/۵
چهارم - چهارم	۲/۱
۱۹۸۰	۲/۸
چهارم - نخست	۱/۱
چهارم - دوم	۵/۲
چهارم - سوم	۵/۲
چهارم - چهارم	۵/۲

چنانکه مشاهده میشود ، اختلاف بین صادرات و واردات آلمان در دهه ماقبل با ناپدید شدن در این روزنه ثابت سخت بین المللی ، بومیه از سوی زاین ، تأثیر بسزایی داشته است .

ملی گرایی نه، ولی ...

بقیه از صفحه ۳
اجتماعی امپریالیستی دیگر جاروشده اند و بار حال جاروشدن هستند ، راجعه سیر جمهوری اوج و ارتجاع دیگر برای طلبد ، ناسیونالیسم و ملی پروری دیگر در کشورهای خیر است . اگر آن موثق شخصیت جهانی نماند دکتر مصدق لازم بود که از آن دفاع کند ، امروز تا حدود زیادی افراد کسم شخصیتهای لازم است ، تا این طالب را باز به میدان بکشند .
در شرایط ما ملی گرایی از آن سهم مینماید امپریالیستی و میهن دوستی ، که زبان با خود هم داشته ، نیز تهیه شده است . ملی گرایی دیگر برچشم میهن دوستی راه بر رویانده اند .
اکون خلق های مستقیم از پرچم ابرافرا - نتانند ، اکون شاره میهنی مستقیم چیست همان علمه امپریالیستی است که می تواند پایه اندیشه های استقلال طلبی قرار گیرد ، زیرا هیچ استقلال واقعی یا خودستمنی سر مایه داری و امپریالیسم میسر نیست و هیچ نبرد علمه امپریالیسم در چارچوب جهان نمی تواند قایل باشد . مستقیم سرمایه داری در جهان سوم ، در دوران ما و امپریالیسم را می طلبد ، مستقیم سرمایه داری غیر مستقیم در دوران ما در " جهان سوم " وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد .
رهبر انقلاب ایران ، این مطلب را که در خطاب به مسئولان غیر مستقیم جهان ، گاه در خطاب به مردم مستقیم جهان ، گاه در خطاب به یک میلیارد این است ، آن افق تازه مینماید دوستی ، که میوزود بر بنام امام خمینی به نظر این جمع منطبق شده است .
ما بر این هستیم که نیروهای که در جامعه امپریالیستی و ناسیونالیستی می توان بودند که میره که از بابت سیاسی و اقتصادی در استقلال ایران بیسود خلق ، بزیان بهره داری و همه خلاق آگاه و ناگناه امپریالیسم کتب رسانند .
رهبر انقلاب سخن خود را در این زمینه به صراحت گفته است ، ایک مرحله عمل ارگان ها و سها های رسمی و استعماری است .

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مهاجمه مطبوعاتی دیروز خود گفت:

این جنگ را در حقیقت امریکاشروع کرده و دامن می زند

• یکی از ثمرات این جنگ این بود که دوست و دشمنانمان را بهتر بشناسیم

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران ، روز دوشنبه ۱۷/۷/۵۹ (دیروز) در یک مهاجمه مطبوعاتی شرکت کرد و به مسوالات خبرنگاران پاسخ گفت . او در پاسخ به یکی از خبرنگاران ، که در مورد جنگ ایران و عراق سوال کرده بود ، گفت :
آنها (رژیم عراق) فکر کردند که بهتر است به پشتیبانان مردمش در خارج از کشور ، فریب بزنند و انقلاب ما را اولین هدف خود قرار دهند . در این جهت با آمریکا ضد انقلاب ایران ، هدف مشترک پیدا کردند و این است که همکاری وسیعی بین دولت عراق ، فراریها و ضد انقلاب ایران و امپریالیسم غرب و ارتجاع منطقه ، که دولت های ارتجاعی منطقه خود را با بعد از عراق هدف خود می دیدند ، شروع شد و این جنگ را برانگیختند .
رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در پاسخ یکی از خبرنگاران ، که در مورد سرسوزی کورگانها در صورت اعمال فشار از جانب آمریکا و ایسادی آن سوال کرده بود ، گفت :
" کورگانها در مسئله جنگ پیچ خیلی کوچک است و مسئله قدر مهم نیست گفتیم کورگانها سرسوزی شان نخواهد شد . الان پروتست بکلت بلکه چند ملت در منطقه مطرح است .
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، در ملاقات او با سایر مقامات مطرح شد ، گفت :
" در آن جلسه در طرف متفق بودیم که ایمن ،

چک را در حقیقت امریکا شروع کرده و عراق ایست دست اوست و این جنگ را امریکا هنوز دارد دامن می زند و نقطه نظر ما این بود که برای انقلاب ایران هم سرسوزی است که این جنگ را بیا بی سوزی باید خاتمه بدهد ، و برای ما کافی نیست که شکست نخوردیم ، ما باید نشان بدهیم که انقلاب در منطقه خیلی قوی است و رسالت انقلاب این است که در این جنگ پیروز شود و راه برای توسعه فکر انقلابی در منطقه باز بکند .

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در قسمتی دیگر از مهاجمه خود گفت :
بما ، یک ملت انقلابی که دارد انقلاب خود را سامان می دهد ، ظلم کرده اند ، تجاوز کرده اند ، خواسته اند که ما را از آزادی بی مانند و آزاد و بی نیاز انقلابیان دفاع کنیم . . . نگذارند این انقلاب پیروز شود و جابه جات ، تا این کورگانهای دست نماند منطقه را بر تریج برقی و با و دشمنان ، امکان نداشته است .
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در پاسخ به این سوال که : در صورت ادامه جنگ و احتیاج به جنگ افزایش قطعات جنگی ، چه راه می بینید ؟
عده او با امکان خرید اسلحه از کشورهای بی طرف است و هند و کشورهای سوسیالیستی در نظر گرفته شده است ، گفت :
" . . . ما منظور کشتن اش را کرده ایم ، کشورهای بی طرف و مستقل و احیاناً " دوست ما در دنیا الان وجود دارند ، که ما را با این می کنند و همین روزها ما بعضی چیزها که نیاز داشتیم به سرعت تأمین کرده ایم این روز نیست که کمبودی احساس کنیم .
رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در پاسخی که از پرسش دیگری ، موع ایران در برابر کورگانهای عراق ، جواب داد ، گفت :
" عراق حمایت می کند ، چه خواهد بود ، اگر تسبیرویی از عراق حمایت علنی کند () ، ایران هوا کوشی

نتان می دهد ، گفت :
این اگر حمایت شعوری از عراق (خیلی میدی است ، حمایت ترکیه و کوبت املا " برای امریکاستنظره نمود ، برای امریکا ما این جنگ را یک جنگ امریکایی می دانستیم و این درست و طبیعی بود و می بایدست عرضت است سودی ، اردن و دیگران لاف از حسابی لفظی از عراق بکنند . . . یکی از ثمرات این جنگ این بود که ما دوست و دشمنانمان را بهتر بشناسیم "

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در جای دیگر از مهاجمه خود در این مورد گفت :
" آنچه را که کسی می کند با نه و این که با آنای بی غیرت مهاجمه مطبوعاتی خود به این کنگه آثار گرد مات ، پنهان ، گفت :
" اولاً " این کنگه آثار از رئیس جمهور در مهاجمه مطبوعاتی خود شعوری و بی جا دیگر باشد ، ما این را نمی دانیم و باید از خودمان بپوشیم .
نمود که کنگه آثار (کشور) باشد ، هر چه سیاسی می تواند باشد . " ثانیاً کنگه های کنگه گزینند " همین هنوز خبر نداریم ، پیش از جنگ اطلاعات داشتیم که یک کنگه آثار را که اسلحه ها می نوردند است . اما در جریان جنگ ما هنوز اطلاع موثقی نداریم .
شعوری تسخیر عراق شده است ، در مورد مستقر " طعم " ما می دانیم که اسلحه های عراقی اکثر آنرا روس است و طعم " از قدیم مستشارهای ایران کنگه داشته و این امر اکثر " شعوری تذکر دادیم . ولی این کنگه آثار را که اسلحه ها تسخیر عراق شده است ، ما این را نمی دانیم . "

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در مورد تعویض دستور مجلس در مورد " کورگانها " گفت :
" هنوز شعوری نداشتیم تا بعد از تأسیسی ، چون ما پیش از جنگ و بعد از جنگ امریکا را ندانستیم خودی داشتیم و بحث ما در مورد کورگانها ، با توجه به این که امریکا دشمن ما هست بود ما است . "

شوخوی نیست ... در دزدی باز است ...

یکی از روزنا مه های " باامداد تهران " برای نشان دادن میزان " علانته شدن به امریکا شیبا ، بزرگ روات از امریکا فاسخ میکند . ارگان ایبرالهای بی طرف برزیل نسکی در مرحله اول خود با تسخیر دولت :
" مقامات امریکانگران حال اسام عمینی هستند " (۱)
" این روزنا ما از قول خبرگزاری مرده علانته خود ، یعنی آموشنده پرس ، امریکایی مینویسد :
" اخیراً رسیده عمینی بری تا اینکه بهتند الله روح الله عمینی سخت بهم راست ، در بهیلا نیای ایالات متحده را نگران ساخته است " (میزان - ۲۷ شهریور ۵۹)
گردانندگان " میزان " که کودتا های امریکا را " فرقی مندا نند ، این دوغورا به همین خاطر میخواهند بخورد مردم بدهند ، چون آشپز نگار میکنند که همه مردم مثل آنها کودتا های بی دینی کشت خورده امریکایی را ، که هدف اول این مهبازان خانه امریکاییست بود ، " فرقی تلقی کرده اند .
در ادامه " خبر معلوم میشود که امریکایی ها تنها نگران حال اما عمینی نیستند ، آنها در دانشا ن مثل سپروسرکه میشوند ، مبادا بیکار رجکی ایران از دست بیرون ، و به همین خاطر از زبان لیبرال های ایران ، میزان " علانته خود را نسبت به ایران چنین اعلام میکنند :
" بنظر مقامات رسمی (یعنی کا رتر ، برزیل نسکی ، ماسکی و . . .) با وجود بیک عمینی خود مشکل آفرین است ، ولی او تنها کسی است که میتواند بیکار رجکی ایران را حفظ کند . " (همانجا)
حتما گردانندگان " میزان " به طریقه دلسوزی امریکایی جان اما عمینی و سفط بیکار رجکی ایران است که میخواهند امریکایی را بدون مان بزرگردانند ، واقعا که با به گفت :
- در دزدی باز است ...

درد میزبان

هدف امپریالیسم آمریکا سرنگون کردن حکومت انقلابی در ایران است .
امپریالیسم چنانکه در امریکا حفوز نظامی خود را در منطقه خلیج فارس افزایش می دهد و اکنون سعی دارد از طریق دستاویز به اصطلاح " خطوط راه های آبی و " واقع خا و روسیه " (تاجا و زبشیر ما می و یعنی های رسوای عراق به ایران) بیروی توجیه این اقدام استفاده کند .
از این مورد روزنا به ما های وابسته به انحصارات امریکا نیز به این ندا و رسکات امریکاییست امریکا اشاره کرده اند . از جمله روزنا به میوزورگان تایمز می نویسند :
" پیچ کشتی جنگی امریکا در جنوب شرقی خلیج فارس موقع گرفته اند و هم چنین به آنها و با همرا " میدوی " دستسور داده شده است که سوسی دریای غرب حرکت کند . (رهبری گروه غربی امریکا رانا و هوا پیما بر این بنرها ور با نمود کشتی جنگی مجهد دارند) .
همچنین چندر ادیوی غربی از قول خبرگزاریها به فعلات های نظامی امریکا در جزایر برزور اشاره کردند . به موجب این گزارشها ، به همپانگن " ای - ۷۵ " و هوا پیما ی حمل و نقل بویشنگ ۷۰۷ امریکا در یونان دلگذا ، در جزایر برزور ، بحال آماده باش کامل درآمده اند ، تا صورت لزوم درخا روسیه نه مذاخله کنند .
از سوی دیگر روزنا به و اشتگن نیست می نویسند که هدف امریکا سرنگونی رژیم کنونی ایران است .
بنا بر گزارشهای واسله ، دو کشتی جنگی انگلیسی نیز از می منطقه شده اند .
ملتهای جهان ، برای ازمیان بردن خطر جنگ هسته ای بها غریزه !
در اطلالی " بار تان " جهان ملتهبا برای صلح ، که با شرکت بیوش اژدوسی کشور و روسیه ، زمان جهان در صوفیه برگزار شده ، شرکت کنندگان در این اجلاس ، در مشغوری ، " از همه " ملتهای جهان خواسته که برای ازمیان بردن خطر هسته ای بها غریزند .
در این منشور تا که شده است که وظیفه اساسی ، منع سلاح هسته ای و دیگر سلاحهای تشهدام جمعی است از لازم است ما سوزی برای کاهش سابقه " تسلیحاتی گسترش باید .
در این منشور آمده است که تنها راه رسیدن به این هدف ، مذاکره بر اساس برابری و امنیت برابری است .
شرکت کنندگان ، استراتژی جنگ هسته ای امریکا را ، که به موجب آن جنگ هسته ای محدود می بینی شده است ، قاطعانه تنگنوم کردند و خواستاریه تصویب فرمان معاده سال ت ۳ شدند . آنها همچنین تأکید کردند که لزوم است مذاکره در باره " - مسلحی های متوسط در اروپا هر چه زودتر آغاز شود .

از افتادن در دام «خط برژینسکی» حذر کنید!

در اوضاع و احوال امروزه که جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی از جانب آمریکا بدست رژیم مزدور یعنی عراق است و انقلاب و مینم ما در معرض يك آزمایش جدی قرار گرفته است، هر کدام و عملی که موجب انحراف افکار عمومی از دشمن اصلی یعنی آمریکا شود و در کنار آمریکا يك دشمن موجود برای مردم و انقلاب ما بر تارنده شود، خطا و پستی و بلندی است.

مهمترین گوشه‌ها که در این صحنه پست برآمده در شکل اظهارات و کلیات و اشارات ضد گمبویستی و ضد شوروی صورت میگیرد، میگویند تا در چنان فوجی که بدست رژیم مزدور یعنی عراق علیه مینم آزاد صورت گرفته، در کنار آمریکاییان یکطرفه، محرم عراق، اتحاد شوروی راه پنهانند، و این «خط برژینسکی» است که توصیه کرده است گوشه جمل آید تا در میان ایران و اتحاد شوروی سردی ایجاد شود تا بدینوسیله رژیم خنثی و تضعیف گردد.

روسیه اختصاص داده شده است. در سرمقاله مطالب درستی از قبیل: «اگر عراق کشتیرن تعیین از ارزشهای ضد امپریالیستی برده ببرد، در شرایط که جمهوری نوپای اسلامی ایران در مقابل رویارویی با امپریالیسم آمریکا بس میبرد، جنبه جدیدی بر علیه ایران نمیگردد، اگر... وجود دارد، ولی مرکز نقل سرمقاله، که به اثبات یک طلب اثبات‌شدنی اختصاص دارد، سر تا با اینشتن از تحریف، سفسطه، کینه و جمل علیه، تحریف تاریخی، سفسطه در منطق، کینه علیه گمبویسم و جمل علیه علم، اینک چند نمونه:

آقایان نویسندگان سرمقاله بغوی میاندانند که کشور ایران که در هسایکی است، ۶۳ است که دیگر «روسیه» نیست و شوروی. نام دارد. اگر امروز کسی بگوید جمهوری اسلامی ایران کشور ما را باز هم دولت‌شاهنشاهی ایران، بنامد، مرکب چینی‌انقلابی و تحریف و چه برای این است. خود نویسندگان می‌توانند این را تصور کنند. در این حال، چرا خود با این افسار و این همه کینه غلیظ ضد گمبویستی، کلمه «روسیه» را در اقسام سینه‌های صرفی مورد تحریف قرار میدهند؟

آقایان می‌خواهند برای ناخن بر افتاد شوروی و میهن‌ساختن نخستین کشور سوسیالیستی جهان به پیروی از مسیاحت استعماری و شیبه آمریکا، تبارسازی کنند که این کشور سوسیالیستی نیست و همان «روسیه تزاری» استعمارگر و استبدادگر و غارتگر است. طرح کردن «آب‌های گرم خلیج و آرزوهای اجابت‌شده ملایز کرم» و «مکراتی» از جمهوری‌های مسلمان‌تبار جنوب شوروی و افغانستان اتم‌سال شده، و خویاری جمهوری کرستان، و جمهوری بلوچستان و غیره، فروعات همین تحریف غلیظ تاریخی و همین بر افسانگی دینی‌دین غیرجاسز است.

آقایان تحریف کین‌آلود ضد گمبویستی را بجای رسانده‌اند که «خطات روسیه» در چل‌وچلوک و مخاربه‌ها در مورد ناخ و ناخ قرار داده‌اند که روسیه، بمناسبت «جنگ روسیه» در لهستان هم بطور بی‌شکری بر «روسیه» تاختند.

درجه کینه و بغض بر ابراهیم و... جهالت نویسندگان مقاله را از اینجا می‌توان تصور کرد که می‌نویسند:

«... تحریف زینتیستی امپریالیسم از اساس با علم مغایرت دارد و در آینه خوامی شکاشد. این حرف آقایان بدان شباهت دارد که سلاکسی بگویند: گنجه‌های حضرت مسیح از اساس با مسیحیت مغایرت دارد!»

شوری امپریالیسم را لئین کشف و تمییز کرده، لئین نخستین بانی تئوری امپریالیسم است و در واقع تئوری امپریالیسم یکی از اجزای عمده لنینیسم است. آقایان امپریالیسم که آقایان عیب‌شکاران؟ آیا داده‌اند، و در واقع بطور تلویحی سفسطه‌اند، رومی ضدلسلی نظرات کاتولیک و پروتستانی و مائوئیدون، قرار دارد، بی‌رحال، به انتظار این متفکران پست‌مایه تا بدینجای از قوس مادری آقایان بعنوان معلم، چه‌شهرهای تصور خواهد آمد.

از «استدلالات» آقایان نویسندگان سرمقاله چنین برمی‌آید که گویا «روسیه» در سال ۱۳۵۸ میاندانست است که در سال ۱۳۵۷ در ایران انقلاب خواهد شد و جمهوری اسلامی ایران بوجود خواهد آمد و لذا از همان سال ۱۳۵۱ با عراق قرارداد دوستی و همکاری امضا کرده و ارتش عراق را تحت نام جبهه کردها در این منطقه در ایران انقلاب شده، به جمهوری اسلامی ایران حمله کند! این‌ها میباید که یک شخص گرفتار مایه‌تولیا اما کند که آمریکا هم میباید که پس از ۲۵ سال در ایران انقلاب خواهد شد. و لذا ۲۵ سال به ایران اسلحه فرستاده، تا امروزه جمهوری اسلامی خود را با آن جبهه سازد!

ساحبان چین و میزبانان دنیا را سرحد ثانی میبندند که میبایست آن قیلا نوشته شده و عاقبتش هم معلوم است و انسانها جره‌زیسته بی‌اختیار چیز دیگری نیستند، ولی آقایان نویسندگان سرمقاله باید بدانند که دنیا میدان نبرد نیست، است و خط جبهه این میدان نبرد هم خط میانی نیست، بلکه از هر دو طرف و خرت‌تسب بی‌روها میگذرد. اسلحه شوروی برای نبرد علیه اسرائیل و حامیان امپریالیست وی عراق داده شده، ولی ضد امپریالیسم در وسط راه منحرف گشته و خود و سلاحتی را در خدمت امپریالیسم گذاشته است. میباید که آمریکا اسلحه خود را برای سرکوب مردم ایران و جنبش‌های رهاگرفتن منطقه به رژیم شاه ملعون بدهد، ولی در نتیجه بی‌روزی انقلاب ایران، این اسلحه امروز بدست خلق ایران افتاده و علیه خود آمریکاییان برده میشود. ما گمان نمی‌کنیم آقایان از این مسائل بی‌اطلاع باشند. آقایان می‌نویسند:

«... نزدیک عراق به بلوک شرق در این دوران، به چه دردی می‌رساند؟

حمله به اتحاد شوروی همیشه آگامه و از روی حیاب‌بست... افراد یکپاره زیادی هستند که گامی پنج‌سال آرزو از دستگاه تبلیغاتی و آموزشی و سیاسی رژیم مغزور پهلوی چیز ناسزاگوئی به مارکسیسم - لنینیسم، به سوسیالیسم، به اتحاد شوروی تازیدگیری نشینده‌اند. ولی... خود اگه باشند، دروغ ستوارن برایشان شکل محققه رده است. بدینگره‌سفن، صورت‌انسان بدینگونه قالب گرفته است و مؤلف فرست و با ضمیمه آرا نیافته‌اند که کلاحتان را جلو حوسن نفسی بگذارند و یکبار این سؤال را برای خود مطرح سازند که: در حالیکه همه معضله‌های تبلیغات لیه یه رژیم گذشته دروغ و افترا و گمراهی بود، چه دلیل بخش ضدتوده‌ها، ضدگمبویستی و ضدشوروی آن از این قاعده مستثنی است. چرا ما خود را از اسارت تحسوع لائینلات پهلوی خلاص نمی‌کنیم و در صدد تجدینظر مستقل و انسانی در ارتش‌ها بر نمی‌آییم؟ چرا ما به بازسازی و نوسازی خود نمی‌پردازیم؟

بی‌رحال، ما به وجدان انسان، به قدرت ضاروت تاریخ و بهطلوع آفتاب گفتن ایمان داریم و بنوع خود به‌بیدار گشتن و فرآ رسیدن و سابع گشتن آن کیم می‌کنیم، و در این زمینه سخنی داریم با دو نویسنده سرمقاله روزنامه «انقلاب اسلامی» (شماره ۳ مهر ماه ۱۳۵۹)، سرمقاله مذکور «تعلیل بر تجاوز عراق و «بیطرفی» ابرقدونیه نام دارد.

در مقدمه مقاله، به منظور خود را بیه کرم، عبارت «فلسه آمریکا» به‌عنوان دشمن اصلی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده، که خواننده نویسنده آن را به مخالفت با نظر رهبر انقلاب و رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و سایر مسئولان کشور، که آمریکا را دشمن اصلی و جنگ عراق را جنگ آمریکا ندانده‌اند، شکر می‌کنند. نویسندگان پر از این‌نرم‌نموده، آنگاه به اصل مطلب مورد نظرشان پرداخته‌اند که خلاصه آن چنین است:

دشمن اصلی آمریکا نیست و اگر هم باشد، ما یک دشمن اصلی دیگری هم داریم که آئیم «روسیه» است. و تمام مقاله، گره‌به‌بوجوب هوالتی باید موضوع «ایرقدونیه» را مدنظر قرار دهد، ولی فقط به اثبات این مدعی‌گمراه‌کننده و خیال‌باطل‌اختصاص‌داده شده است که: «آقایان می‌توان بدین‌رنگ که عراق، با وجود وابستگی تمام‌بایرنامی به روسیه، علیرغم خواست مسکو به ایران حمله کرده است. آیا بین روسیه و آمریکا درجهت تضعیف انقلاب اسلامی ایران تالی و تمارنی وجود ندارد؟»

یعنی: جنگ یعنی اسلحه و اسلحه عراق هم با روسیه است، پس جنگ خواست مسکو است و نه آمریکا، و آمریکا در این مورد «روسیه» فقط «بانی‌روفاون» کرده‌است. پس نه‌مرگ بر آمریکا، بلکه مرگ بر «روسیه»!

ناید نویسندگان سرمقاله بگویند که ما به لن و نفرین آمریکا هم پرداخته‌ایم، ولی پرداخته‌ایم، ولی خاتمتی با لن و نفرین آمریکا بر ایران امروز، آنچنان خیالی است که حاجتی به بیان آنها نیست. ایشان با لن و نفرین آمریکا که اسلحه‌های طرح نگذاشته، بلکه واقعیت را توضیح داده‌اند که دوسال است از زبان میلیون‌ها ایرانی چون رعد در فضای ایران طنین انداز است. آن‌طلب تازی که آقایان در سرمقاله خود مطرح کرده‌اند (که البته اینهم تازی نیست، کوشش جهت ایجاد یک دشمن مجوم برای بیرون آوردن آمریکا از زیر غربت مدیتراست که درید نظر برخی از محافل سیاسی و مطبوعاتی قرار دارد. گذشته از این «روسیه» را دشمن ایران معرفی کردن، از زرادخانه آمریکا و رژیم پهلوی بیرون آمده است و آقایان در این زمینه حتی «بنگیر» هم نیستند. سرهم‌بندی کردن «استدلالات» برای باراندن لن و نفرین علیه «روسیه» است. حتجادروسد سطرهای مقاله، به توضیح عنوان مقاله، یعنی «ایرقدونیه»، بلکه به «اقتضای

ایمپریالیستیک... بدانت... بدت درستی و دو سال اخیر، گمبویستی عراق را به‌شده‌ترین وجه ممکن سرکوب نموده و در اتمام خاص صاحب نفوذ قایع مسکو(1)، زده‌ای افسان‌نروا بدانت‌اند...

و خود آقایان در این مطلب گیر کرده‌اند که پس روسیه نه‌تنها برای سرکوب انقلاب ایران، بلکه برای سرکوب گمبویستی عراق، و «عناسر صاحب‌نفوذ قایع مسکو(1)» هم به پیش‌خطا اسلمه‌داده است(2).

آدم وقتی که درصدد اثبات یک‌چیز اثبات دشمنی برآید، منتقل هم دردمنداند از میانه و خرس در کلم می‌ماند. آقایان نویسندگان سرمقاله، آن‌قدری را که خلق خدایرژینسکی در دام زند به اقبال‌تند ضدگمبویستی و ضدشوروی تعجب میشد (یعنی منفرد و منزوی و سفسطه‌شن انقلاب ایران در مقابل جنبه‌گرگان جهان‌افزار امپریالیستی، بنشاه یک مراد حاصل شده و یک واقعیت موجود خیال کرده، می‌نویسند:

«اگر بی‌بازرسی‌ها می‌کردند، بی‌تفاوتی و حمایت امپریالیسم آمریکا صورت گرفته است و «بیطرفی» ابرقدوت روسی، داللی قایع ضد صدام‌حسین نیست، پی‌سر کشورهایی مانند لیبی و سوریه، که در عهد آمریکایی بوتانان تردید نیست، تجاوز رژیم پست را بر ضد ایران محکوم نمی‌کنند، پی‌سرا، سماک ابراهیم شرقی و کوبا، که مدعیان در محکم بودن دخالت، تحریکات و تجاوزات آمریکا و مخالف او امور ملت‌ها، حائل نمی‌نورزند، دموره تجاوز آشکار وی چون وهری دولت پست عراق، سکوت پیشه کرده‌اند و یاقضا به اندرز و اقبال مشنولند!»

آقایان غلازین اظهار کینه علیه سوریه و لیبی، که به‌ه‌تازگی بر ضد سوسیالیسم و آمریکا بی‌تقدم اتحاد ابراهیم شده‌اند، خواسته‌اند بگویند که: ما در دنیا تنها هستیم، زیرا آمریکا و افسار که بر ما تاخته‌اند، و ابرقدوت روسی هم «بی‌اقتضای» این عمل ولاییدیکنند! ما به این آقایان توصیه می‌کنیم که این سؤال‌ها را در مقابل وجدان خود مطرح سازند:

سؤال اول اینکه: اگر شرقی میبماند طرف کرم‌بایروی جمهوری اسلامی ایران بسته و ما در دنیا تنها ماندیم و تمام‌بایروی دنیا بر ضد جمهوری اسلامی ایران است، پس بر این درونما منتظره‌بستند و چرا از شرق و غرب و شمال و جنوب و زمین و آسمان حمله‌ورنمی‌شوند؟

سؤال دوم اینکه: اگر آمریکا فقط یک‌روز احساس کند که ابرقدوت روسی، مدافع جمهوری اسلامی ایران نیست و لائق در این ماجرا بریان ایران بی‌طرفانه است، چه تئیرالی در اوضاع جدید خواهد آمد؟

سؤال سوم اینکه: اگر امروز در افغانستان بی‌باید حکومت‌بیرد کارل، حکومت گلبدین حکومت‌بیرد، و میباید گلبدین و دیگر «مجاهدان» برقرار می‌بود، و در افغانستان (و هم‌راه با آن در پاکستان) هائنه مرز عراق، به چه جنبه سوزانی علیه جمهوری اسلامی ایران میباید میشد؟ آیا نشنا «تئوری» اتحاد شوروی در نژادی است، علیه تحریم اقتصاد آمریکا، اظهار سرکوب اتحاد شوروی به آمریکا و دیگران و بر ضد داشتن آنها از مداخله و «تجزی داخلی ایران، اعلام پشتیبانی مکرر اتحاد شوروی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، حضور ناظران شوروی در آبپای اقیانوس هند در نقطه مقابل ناظران آمریکا، آماده‌گری کشورهای سوسیالیستی برای کمک اقتصادی و فنی و ترانزیتی به ایران، (از بی‌بازگشت بازرگانی بین‌المللی در تیران از ۱۴-۱۵ فوریه)، کشور سوسیالیستی است که تئوره‌های فراوان دیگر از این‌بیل‌بیل‌نما «توافق ابرقدوت روسی» با آمریکا میبایدند، و تمام این پشتیبانی و هستتیکها که چنان بر افسان نشا آنها را نمی‌بینیم (علاوه بر زبان شیرین(1) و کسا دیگری «شیرین‌زبانان» با اصولیت و قاطعیت، آده‌تند دارد و ادامه خواهد داشت.

آقایان نویسندگان سرمقاله خود، حزب توده ایران را هم فراوانی نگردانید و «خوش‌نامی» از چین و دردمندی را هم بنابر آن گردانید. این نارگروئیتی ضدتوده‌ها با از همان عمل قالب گرفته در دوران شاه ملعون توضیح میباید که ما اینجور رژیم زین‌نقدوچندان انسانی این قالب‌بمنجون بهم بخورد، و با اینکه از روی اکتامی و در خط برژینسکی است، که در اینصورت رژیم میباید سرکشند، حرکتن آقایان در این زمینه نشان نامدستی راه آنان و هر کلمه حزب توده ایران، «ولی» حنمت راه حزب توده ایران است - زیرا که راه ولوزوی صادقانه برای انقلاب و خلق است.

ما از انتقاد خود، که سوسیالیسم علمی است، و بر همین بنی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و منافع آن دفاع نمی‌کنیم و تاریخ و خلق گمراه‌کننده‌ها نخواهد بود.

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

داشته باشد، ناشی از خامی مغز، و یک‌نوع خوش‌باوری نابخشودنی است. این ژنرال کودتایی که اکنون چنمنال است بدون‌اندک دلیل قانونی و منطقی، بر مردم پاکستان حکومت می‌کند. نخستین رئیس حکومتی بود که به کمان‌بازن، طراح و اجراکننده کودتای آمریکایی ترکیه نیتیت گفت و برای او آرزوی موفقیت کرد. این ژنرال کودتایی، که در آرزوی است که در کشور ما، یک ژنرال آمریکایی ضدتوده خود او حکومت کند. این ژنرال شخصی کودتای آمریکایی در زمان به سر «حسن‌نیت» مبادرت می‌رورد که گزارشات مربوط به مدارکات ایالات متحده برای دخالت نظامی در ایران، بیش از هر زمان دیگری نمیدهد. آیم می‌شود و خلق چین دخالتی از هر زمان دیگر جدیدتر است... این‌ها همه، حلقه‌هایی از یک توطئه‌اند. کودتای ترکیه یک حلقه از توطئه بود، تجاوز رومیانه رژیم فاسد صدام، حلقه دیگری از همان توطئه و سفر حسن‌نیت‌مخالفق و ترکر تیروهای آمریکایی و انگلیسی در خلیج فارس نیز حلقه‌های دیگری هستند که فراراست: زنجیر توطئه را تکمیل کنند...

ماموریتی که نشاءالمعق، این ژنرال کودتایی پاکستان برمه‌ده گرفته است اجرای توطئه‌های علیه انقلاب اسلامی است. این ماموریت را باید در برابر همه مستضعفین اقتضای ساخت...

(سبع آزادگان، ۷ مهر ماه ۵۹)

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب! ناماد حزبی (اعلامیها)، بی‌نامه و بی‌مهره از ارگان مرکزی منتشره در حزب توده ایران راه بسا استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تغییر کنید و به توده‌های مردم برساینید. در شرایط حساس کنونی، این یک وظیفه میروم انقلابی است.

در مطبوعات کشور

سفر ضیاءالحق به ایران حلقه دیگری از توطئه علیه ایران است

... قیام مردم عراق... با پاهای این حکومت پونشالی (حکومت‌مستدام) را بی‌شمار بیش از هزاران ساخته است، و این‌است در تلاش‌های تب‌آلودی که میدام تکریش و دولتشاسد وی برای یاقتن میبانیجی به آن دست زده‌اند.

درین حال هدفی این میانجی‌گری سخت مشکوک به نظر می‌رسد، و اگر به مسئولین جمهوری اسلامی بحق اطلاع کرده‌اند که این میانجی‌گری را نمی‌دریند، ما بازم وظیفه داریم، با وقت بیشتری باین میانجی‌گری و راه‌تبعه با آن در بیرون قرار می‌گیریم. بنگریم، چنانکه پیش‌از این نیز گفته‌ایم، حسن‌نیت‌دین این هیات «حسن‌نیت»، هر گاه در او چنین چیزی بتوان یافت، نسبت به ارباب آمریکایی و نورگان و هیبشان وی خواهد بود، و توفیق اینک از نسبت به جمهوری اسلامی حسن‌نیت

یگانا...

شود و این دست... حتی از طریق و خبران... فایده خود را دریاز...

از ایستادن اسلحه... به جنگ در کردستان... کرده، از آغاز نایستان... و بلوچستان کردهاند...

بسته ها چگونه زین پوشش... امریالیسم آمریکا، یعنی... این تبلیغ می شود...

که چون مامور بازسازی و پاسداری... وابسته است و از این دو نمی تواند... خواسته های انقلابی کارگران...

حاکم قبل از آنکه دشمن ساواگویم... بلوچیان است. حیثیت حاکم برای رسیدن... به مصلحتی خود به ساواکها نیاز دارد...

آنگاه رژیم جمهوری اسلامی ایران را... رژیم به بهای بیگانهای تفریق می کند، رژیم... حاکم را رهبر خود که رژیم بیوفی...

شبه سرکوب آریایی را نیز می یابد که... (هانبنا)

و سپس اعلام می دارد: «سرانجام رژیم جمهوری... اعلامی همان چیزهاییست که ما در رژیم تپه پوری را گرفته... (هانبنا)»

و باین ترتیب، درست همانا با آمریکا و... جتیکار، این رفته رفته با مائوئیست، سرکونی جمهوری... اسلامی ایران را تبلیغ می کند، مائوئیست های فرزندگان...

به مردم نسبت می دهند و می گویند: «مردم پاسداران به چشم همان قهرمان های سالها... پیش می گردند و به این دلیل عددهای از افراد منطقه که... هنوز شناسایی نشده اند، به روی پاسداران تیز اندازی می...

اعلام جنگ به توده ها!

«لورد بلوچ» نام نشریه دیگری است، که اندکی... زودتر از نشریه قبلی در استان سیستان و بلوچستان منتشر... شده است. این نشریه از ارگان سازمان فیکار منطقه کارگر...

رژیم شاه ملومون را رهبری کرده است، «مهاج» شاه... ملومون میخواند و مدعی می شود که امام خمینی در وزارت... رژیم علیه رژیم شاه مخلوق نقش پررنگی داشته و در...

فهرد بلوچ» ابتدا رژیم کورن را ضد خلق معرفی... میکند: «پاسداران جنایت و سرماهی بی سرماهی است در... دست خواین و سرمداران زوالیست گذاشته به سرکوب...

و «مردوخودا» و اختلافاتی که اینجا و آنجا می کن... است بین خواین و رژیم روی دهد، مامیت شرقی یکی... و ارتجاعی طرف دیگر را بیان نمی کند. بلکه هر دو...

و سرانجام مائوئیست های ایران و آمریکا با یکدیگر وحدت دارند... «فهرد بلوچ» می نویسد: «وحدت بی شش حاکم ضد خلقی و... امپریالیسم بر سر بازسازی نظام غارتگرانه سرمایه داری...

و سرانجام لوبت املاچنگ رسمی به رژیم نسوای... جمهوری اسلامی ایران می رسد: «در این جنگ که یک... طرف آن ارتجاع است، توده های وسیعی پندیدار...

و سرانجام لوبت املاچنگ رسمی به رژیم نسوای... جمهوری اسلامی ایران می رسد: «در این جنگ که یک... طرف آن ارتجاع است، توده های وسیعی پندیدار...

و سرانجام لوبت املاچنگ رسمی به رژیم نسوای... جمهوری اسلامی ایران می رسد: «در این جنگ که یک... طرف آن ارتجاع است، توده های وسیعی پندیدار...

و سرانجام لوبت املاچنگ رسمی به رژیم نسوای... جمهوری اسلامی ایران می رسد: «در این جنگ که یک... طرف آن ارتجاع است، توده های وسیعی پندیدار...

و جالب اینجاست که خود «مائوئیست های انقلابی»... در این جنگ شرکت می کنند: «من این کار را نیز با مسلم... کارکنان از این جنگ و نه با بود و فرار دادن...

و سرانجام لوبت املاچنگ رسمی به رژیم نسوای... جمهوری اسلامی ایران می رسد: «در این جنگ که یک... طرف آن ارتجاع است، توده های وسیعی پندیدار...

و سرانجام لوبت املاچنگ رسمی به رژیم نسوای... جمهوری اسلامی ایران می رسد: «در این جنگ که یک... طرف آن ارتجاع است، توده های وسیعی پندیدار...

و سرانجام لوبت املاچنگ رسمی به رژیم نسوای... جمهوری اسلامی ایران می رسد: «در این جنگ که یک... طرف آن ارتجاع است، توده های وسیعی پندیدار...

و سرانجام لوبت املاچنگ رسمی به رژیم نسوای... جمهوری اسلامی ایران می رسد: «در این جنگ که یک... طرف آن ارتجاع است، توده های وسیعی پندیدار...

و سرانجام لوبت املاچنگ رسمی به رژیم نسوای... جمهوری اسلامی ایران می رسد: «در این جنگ که یک... طرف آن ارتجاع است، توده های وسیعی پندیدار...

و سرانجام لوبت املاچنگ رسمی به رژیم نسوای... جمهوری اسلامی ایران می رسد: «در این جنگ که یک... طرف آن ارتجاع است، توده های وسیعی پندیدار...

بهبوش بشیم

درک و آگاهی در راه آن سر... به قلم و باغبان ریخته، حشمتی روز... است. این مردم بیخاسته، که نه...

ایران مرکزی تیره و تار... در ادامه انتشار... و مدیر مسئول... منوچهر بزرگانی...

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸... (دفتر نامه مردم... هنوز در اختیار... نامه مردم نیست)

Table with 2 columns: Country and Price. Includes entries for France, Austria, England, Belgium, Italy, U.S.A., and Sweden.

آغاز مذاکرات رهبران هند و اتحاد شوروی در زمینه همکاری های اقتصادی

مذاکرات استانبول در زمینه همکاری های اقتصادی... در راه آن سر... به قلم و باغبان ریخته، حشمتی روز... است. این مردم بیخاسته، که نه...

دولت تجار عراق به ایران، امپریالیسم آمریکا کشورهای مرز تجع منظره را مسلح می کند

وزارت دیوید جوی رئیس ستاد ارتش آمریکا، پسری... مذاکره با رهبران عربستان سعودی و اردن این کشور شد. این «دولت... در حال صورت می گیرد که منابع سیاسی در واشنگتن خبر داده اند...

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

انقلاب و اجتناب مسئولیت از... دارند متعهد ما را ایستاد می... سازد که تا دوریک انقلاب به... سرورزی نهایی و نظم برسد...

روسی سخته نیامده بود و رحال تدارک است

روسی سخته نیامده بود و رحال تدارک است... بزرگ آمریکا در منطقه بیست... سادات، گلین ملک حسین، ملک حسن، ملک خالد سلیمان قابوسی...

انقلاب شکوهمند ایران ملتوح

انقلاب شکوهمند ایران ملتوح... تدارک است... بزرگ آمریکا در منطقه بیست... سادات، گلین ملک حسین، ملک حسن، ملک خالد سلیمان قابوسی...

در اعلام هشدار، هر چه بگویم... بازم کم گفته ایم. ولی حثیاری... انقلابی خلق ما، مادام که نیروهای...